

تاریخ ۲۷/۱۱/۲۰۰۸

محمد صادق ارغندیوال

## چنبر شایعات و افواہات آی.اس.آی و پیروزی سیاست های پاکستان در افغانستان

از مدت ها به گوش میرسد که گویا آمریکا جهت موجهه نشان دادن موجودیت نظامی اش در افغانستان، دست به ایجاد جنگ های ساخته گی در این کشور میزند ؛ و مشاورین غربی مصروف در سازمان های خیریه ، در پی ترویج مسیحیت در افغانستان میباشدند. این ها حرفهایست نه تنها از زبان عام و خاص در داخل افغانستان شنیده میشود، بلکه امواج آن فراسوی اوقیانوس ها چون کانادا ، آمریکا ، اروپا و استرلیلیا را هم در نور دیده است . حالا ببینیم که این آوازه ویا شایعات حقیقت دارد ویا اینکه شایعات مذکور ساخت سازمان های استخباراتی کشورهای همسایه و ذیدخل به مسایل افغانستان میباشد.

حقیقت آنست که از مدت شصت و سه سال بدینطرف به تعداد چهل هزار عسکر آمریکایی در کشور آلمان ، به تعداد بیست هزار عسکر آمریکایی در کشور جاپان و از مدت پنجاه و هشت سال بدینسو به تعداد بیست هزار عسکر آمریکایی درکشورکوریای جنوبی و بلاخره از سال ۱۹۹۰ تا به حال به تعداد بیست هزار عسکر آمریکایی درکشور عربستان سعودی مستقر میباشد در حالیکه کشور های مذکور هر یک به نوبه خود ابر قدرت های اقتصاد دنیا میباشد ولی هیچ کسی پیدا نشده است تا بگوید ، که کشور های فوق الذکر اشغالی ویا هم مستعمره آمریکا میباشدند؛ برعکس کشور های متذکره با در نظر داشت اقتصاد قوی ایکه دارند همیشه حرف اول را در سطح جهان میزنند.

ولی درکشورما متأسفانه از مدت های مدیدی بدینسو همیشه وبطور مداوم شبکه های استخبارات خارجی در راستای منافع خود شان با پخش شایعات و اکاذیب به طور گسترده بالای روح و روان اکثریت مردم ما، حتی بالای روح و روان تعدادی مشخصی از اشخاص به اصطلاح چیزفهم ، هم حاکمیت رانده و آنها را بدون آنکه خود بدانند خلاف منافع ملی شان ، بدنبال خود کشیده اند. روزگاری سازمان های استخباراتی وجاسوسی شوروی چینن نقشی را درکشور ایفامینمودند ، چنانچه در آخرین سالهای حکومت سردار محمد داوود ، وقتی مرحوم داوود خان در راه تأمین منافع ملی افغانستان خواست ها و دیکته های برژنف را نپذیرفت ؛ موجی از تبلیغات وشایعات ضد داوودی سراسر کشور فرا گرفت و نتیجه آن شد که در روز کودتای ثور تعدادی زیادی از صاحب منصبان بی طرف اردو درحالیکه میتوانستند با اقدامات به موقع شان کودتای مزدوران روس را به شکست مواجهه سازند ، بی خبر از دنیا وزیر تاثیر همان افواہات وشایعات اوضاع را نظاره نموده و برای پیروزی کودتای ثور کف زدند ، ونتایج ناگوار بعدی هم برای همه معلوم است . ولی بعد از آنکه رشته کار از دست حکومت طرفدار شوروی درکشورما شارید واز هم گسست ، سازمان های جاسوسی کشور های منطقه بخصوص سازمان استخبارات نظامی پاکستان یعنی آی.اس.آی به کمک مالی وتخیکی گسترده آمریکا وعربستان سعودی بسرعت رشته کار را در دست گرفته ودر پهلوی دیگر امور ، با پخش شایعات ، پروپاگند ها و افواہات همیشه روح و روان مردم ما را بدنبال خودکشیده اند( واین کار اکنون تا به آنجا پیشرفته است که سازمان استخبارات نظامی پاکستان در راستای منافع آن کشور به فریب واغفال استاد اش یعنی سازمان جاسوسی سی آی ای هم دست یازیده است .)

سالها پیش از امروز یعنی در جریان ایام ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ هجری شمسی مخالفین دولت توانستند شهرکابل را از پایگاه های شان در پغمان وشبوه کی مورد حملات راکتی قرار بدهند این حملات موجب ضایعات شدید جانی درشهر کابل گردیده ومردم را سخت عصبانی نمود تا جائیکه مردم عوام همه وهمه از این کار مجاهدین شاکی ، و آنها را ملامت مینمودند ؛ در همین گپرو دار به یکباره گی شایعاتی درشهر کابل پخش و از زبان پیرو برنا و مردو زن به گوش میرسید که گویا روس ها محلات مسکونی شهر کابل را به راکت میندند ؛ این شایعات دولت وقت را به حدی دست وپاچه وهراسان نمود که بلافاصله بخش اعظم نشرات رادیو وتلوویزیون را وقف رد شایعات مذکورنموده ومصاحبه های زیادی را با گروه ها واقتشار مختلف مردم دراین مورد ترتیب واز طریق رادیو وتلوویزیون به نشر رسانید. وحالا ما بعد از گذشت نزدیک به بیست ودوسال منطقاً میدانیم که راکت های مذکور از طرف کی فیر میشد و شایعات مذکور از کجا وارد و توسط کی ها دامن زده میشد. به همین ترتیب در آخرین ماه ها حکومت داکتر نجیب الله به یکباره گی شایعات وافواہاتی شهرواطراف کابل را در هم بیچانیدکه " اگر مجاهدین بیآیند وقدرت را در دست گیرند ما به سالهای

تعداد صفحات: ۱ از ۵

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

آرامی و فراوانی چهارده سال قبل یعنی روزهای طلایی رژیم محمد داوود برخوایم گشت و مزید بر آن کشورهای دوست مجاهدین به شمول آمریکا، جاپان و عربستان، افغانستان را گل و گلزار خواهندکرد" امواج این شایعات تا به آنجا کشانیده شد که حتی اعضای بلند پایه حدخا وابسته به جناح پرچم و طرفدار ببرک کارمل درحالیکه هر یک از آنها خودشانرا نابغه تیورین و واقف به اوضاع ملی و بین المللی قلمداد مینمودند و به هیچ کس هم دراینمورد تن نمیداند؛ با درنظرداشت مخالفت های که با داکتر نجیب داشتند به اضافه تاثیر همان افواها و پروپاگاندا ها بدون در نظرداشت شرایط و اوضاع جاری وقت و ترصد کشورمعرض همسایه چون ایران و پاکستان پلان صلح ملل متحد را سبوتاژ و آنرا به ناکامی مواجه ساخته، کشور و مردم ما را در پرتگاه مخوفی رها و خود شان سوار به طیارات آریانا راهی کشورهای غربی شدند.

حالا دراین مورد دست اندرکاران سازمان استخبارات نظامی پاکستان تا آنجا پیشرفته اند، که هر سیاهی را سپید و هر سپیدی را سیاه مطرح مینمایند؛ مردم ما هم بدون سوال و دلیل آنرا میپذیرند. و پاکستانی ها نیض کار دراین مورد کاملاً تحت کنترل دارند. چنانچه وقتی در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۶ طالبان بدروزه های کابل رسیدند؛ یکباره شایعاتی درمیان شهریان کابل پخش گردید که گویا طالبان افراد ظاهر شاه اند و شاه را دوباره میآورند، این شایعات تا آنجا بالای مغز و روان مردم تاثیر نمود که هرکسی به سپاهیان و طرفداران مسعود- ربانی میگفت که: برو بیاد ایلا کو، بس اس دیگه. و بالاخره دامنه این شایعات تا بدانجا کشیده شد که درهمان گیر و دار غلام غوث و زبیری سخن گوی ظاهر شاه از روم ضمن مصاحبه با سرویس فارسی بی بی سی گفت که: "شاه انشاءالله در همین هفته های آینده عازم کابل خواهد شد." در نتیجه سپاه مسعود زیر تاثیر همین شایعات و افواها بدون جنگ کابل را به طلبان تسلیم و پایه فرار گذاشت. ولی وقتی طالبان کابل را گرفتند و خود رامستقر ساختند، نه خبری از ظاهر شاه شد. و نه هم شایعه مذکور حقیقت داشت. اکنون هم درهمین راستا دستگاه های جاسوسی پاکستان در راه بد نام ساختن قوت های نظامی غربی شایعاتی را دامن میزنند که گویا آمریکا جهت موجهه نشان دادن موجودیت نظامی اش درافغانستان و بقا نظامی اش دراین کشور خود جنگ ها را بوجود میآورد. که دامنه این شایعات حتی درفراسوی اوقیانوس از بعضی رادیو های افغانی شنیده و در بعضی از نشریه ها افغانی خوانده میشود. حالا اگر فرض کنیم که آمریکا به خاطر بقا نظامی اش درافغانستان دست به ایجاد جنگ های ساخته گی میزند. درحالیکه از مدت هژده سال بدینسو به تعداد بیست هزار عسکر آمریکایی درعربستان سعودی مستقر است. پس چرا آمریکا جهت بقای نظامی اش در عربستان سعودی دست به ایجاد چنین جنگ ها نمیزند. درحالیکه همه میدانیم که کشور عربستان و چاه های نفت اش برای آمریکا و جهان غرب بسیار، بسیار مهم تر است، تا افغانستان جنگ زده. چندی قبل ضمن یک تبصره از زبان یک نیمچه ژورنالیست دریک رادیو تلفون خبری که از شهر تورنتوی کانادا پخش و درسراسر آمریکا و کانادا به آسانی شنیده میشود، شنیدم که: "آمریکا بخاطر موجهه نشان دادن موجودیت نظامی اش درافغانستان خود دست به ایجاد جنگ و نا آرامی درافغانستان میزند." و در پایان همین تبصره ژورنالیست مذکور اضافه نمود که: "آمریکا مسؤلیت شکست اش را درافغانستان به گردن پاکستان می اندازد. و..." (خوب هموطن عزیز خودت قضاوت کن.)

حالا موجودیت قوت های غربی درافغانستان با موجودیت قوت های روس دردهه هشتاد میلادی در کشور ما خیلی فرق دارد. چه اگر در آنوقت عساکر روسی در تضاد با دین و فرهنگ ما قرار داشت و همزمان با آن درافغانستان دولتی مستقر بود که در نبود قوت های خارجی میتوانست حاکمیت ملی را اداره و کشور را کنترل نماید؛ ولی امروز اوضاع کاملاً برعکس است، زیرا دولت فعلی افغانستان در درجه ای نیست که بتواند در نبود قوای یاری صلح ملل متحد، حاکمیت ملی را اداره و کشور را کنترل نماید، از طرف دیگر امروزه تعدادی زیادی مسلمان درکشور های غربی زنده گی میکنند و کسی با دین و فرهنگ شان غرضدار نیست. و حتی در بعضی از این کشورها چون کانادا دولت به ملاء ها و کارکنان مساجد مدد معاش و غیره امتیازات هم میپردازد. بناً اگر آمریکایی ها جهت پیشبرد اهداف استراتژی شان در آینده در تقابل به چین و روس درافغانستان دست به ایجاد پایگاه های نظامی میزنند؛ مسلماً که آنها کاری به کار ما و دین و فرهنگ ما نخواهند داشت، چنانچه که با جرمن ها، جاپانی ها، کوریایی ها و سعودی ها ندارند، بناً ما باید آگاهانه از این فرصت طلایی استفاده نموده و سرمایه داران عمده غربی را جهت سرمایه گذاری و ایجاد کار به کشور خود بکشانیم؛ ولی مسلماً که کشورهای چین، روسیه، ایران و پاکستان با درنظر داشت منافع خودشان و ایجاد مزاحمت برای نظامیان آمریکایی درافغانستان از هیچ کاری دریغ نخواهندکرد؛ که نکرده اند.

حالا هستند افرادی وابسته به گروه طالبان و حزب اسلامی به خصوص شخص گلبدین حکمتیار که به اشاره سازمان استخبارت نظامی پاکستان، پیش شرط رسیدن به صلح در افغانستان را خروج قوای خارجی ازافغانستان مطرح مینمایند؛ که در این میان شخص حکمتیار در هنگام استیلا روس ها بالای کشور ما هم پیش شرط رسیدن به صلح

در افغانستان را خروج بدون قيد و شرط قوای روس از افغانستان و تسلیمی بدون قيد و شرط دولت وقت به مجاهدین مطرح می نمودند ؛ دیدیم که قوای اشغالگر روس هم خارج شد و دولت کمونستی هم سقوط نمود ، ولی نتیجه چه شد ؟ مگر سازمان استخباراتی نظامی پاکستان پلان راکت باران شهر کابل را که در آخرین سالهای دولت نجیب الله بعد از شکست مجاهدین در جنگ جلال آباد رویدست گرفته بود و فقط در اثر مداخله کشورهای غربی در آنوقت عملی نشد در همین وقت یعنی در وقت دولت اسلامی افغانستان برهبری صیغت الله مجددی و بعد برهان الدین ربانی ، از چهار آسیاب با حضور بالفعل جنرال حمید گل در پهلوی حکمتیار ، بالای شهریان بی دفاع کابل عملی ساخت ؟ مگر شصت و پنج هزار شهروند بی گناه و مسلمان کابل در همین وقت و ذریعه راکت ها ی فیر شده از طرف حزب اسلامی گلبدین حکمتیار به شهادت نرسید ؟ مگر سازمان جاسوسی ایران با فرستادن ماهوار مبلغ پنجمصد هزار دالر به حزب وحدت عبدالعلی مزاری در غرب شهر کابل دولت و حکومت جداگانه ساخت ؟ مگر همین ها نبودند که به سر مردم بیگناه میخ میگویند . و به تماشای رقص مرده میپرداختند . مگر افراد پهلوان دوستم به چور و چپاول ناموس و مال مردم در شهر کابل بخصوص در ساحه سید نور محمد شاه مینه و شاه شهید نپرداخت ؟ مگر سلاح بدستان شورای نظار خانه های هموطنان هندو و سکھ ما را در ساحات کارته پروان و تایمینی وات بزور تصاحب نکردند ؟ مگر تفنگداران حزب اسلامی مانشین ها و وسایل فابریکات نساجی بگرامی ، نساجی گزرگاه ، فابریکه جنگلک ، سب استیشن برشناکوت و تحویخانه عظیم وسایل برقی افغانستان در ساحه برشناکوت ، فابریکه آریانا ترکانی و غیره فابریکات در منطقه چلستون و جنگلک راکه در حقیقت مال بیت المال بود به لاری ها بار نکردند و در پاکستان به نرخ آهن کهنه به فروش نرسانیدند ؟؟؟...

حالا هم متأسفانه و متأسفانه شخص و دولت بی کفایت کزری در طول مدت هفت سال فقط با وقت گذرانی نه تنها هیچ کاری را به نفع مردم و ملت ما اجرانکرده است ؛ بلکه با تعقیب سیاست مصلحت گرایی ، سهمیه گرایی ، قوم گرایی ، تنظیم گرایی و واسطه گرایی به جای شایسته گرای و لیاقت گرایی کار ها را بیشتر از پیش هم خراب نموده است . حتی آغای کزری شخصیت های وطنپرست و کارکن چون رمضان بشردوست و علی احمد جلالی که در راستای منافع ملت قدم بر میداشتند ، نیز به اثر بی کفایتی خود (شخص کزری) و سیاست های نادرست اش و ادار به استعفی از وزارت های پلان و داخله نمود ؛ دولت طی هفت سال اخیر با وجود امکانات گسترده حتی نتوانسته است اردویی را پایه گذاری نماید که در صورت نبود قوت های خارجی از حاکمیت ملی کشور ما دفاع نماید . جناب کزری فقط با نگرستن به دهان و حرف های تعدادی مشخصی از مجاهدین صایب ها حتی از پذیرفتن کادر های وطنپرست و برجسته تخنیک و با تجربه نظامی رژیم داکتر نجیب الله هم در چوکات اردوی ملی ابا ورزیده است . در نتیجه ، در صورتیکه امروز قوت های خارجی از کشور ما بیرون بروند ؛ فردای آن بدون فوت وقت طالبان این بار بدون سلاح فقط با هی و چک و چک و اشپلاق بخش های عظیم کشور ما را تصرف و در آینده نه چندان دور آنرا ضمیمه خاک پاکستان خواهند کرد و بخش های شمالی ، مرکزی و غربی هم بیرق های خودشان را بالا خواهند کرد و کشور های ایران ، پاکستان و ازبکستان هم اینبار بد تر از گذشته دست به مداخله خواهند زد و حمام های خون بی شماری در گوشه و کنار میهن ما راه خواهد افتاد .

و اما ماجرای پخش دین مسیحیت !!؟؟

بر علاوه آنکه سازمان استخبارات نظامی پاکستان اختلافات قومی ، لسانی و سمتی را در کشور ما در هر مقطع زمان و با استفاده از هر امکان باشد هر چه تمامتر دامن میزند ؛ روزگاری بنا به توطئه های سازمان مذکور مکاتب ما را بنام مرکز تربیه کمونیزم می سوختاند که در جریان دهه هشتاد میلادی نزدیک به سه هزار مکتب و مدرسه مجهز باتمام وسایل آن بشمول میز ، چوکی ، تحویلخانه و کتب درسی زیر نام مراکز تربیه کمونیزم به آتش کشیده در پهلوی آن نزدیک به دوهزار مرکز صحنی و شفاخانه نیز در سراسر افغانستان حریق گردید ، ولی هیچ کس نپرسید که اگر مکاتب به نام تربیه کمونیزم به آتش کشیده میشد مراکز صحنی و شفاخانه ها بنام چه حریق میگردید ؟ هزاران کیلومتر سرک و شاهراه و هزاران پل و پلچک چرا تخریب میگردید ؟ ولی جواب نزد مجریان آی . اس . آی یکی بود : هر آنچه مراکز تعلیم و تربیه ملت افغان است و هر آنچه زیر بنای اقتصادی افغانستان را میسازد باید نابود گردد . بنا به تعقیب همین پالیسی دست اندر کاران سازمان استخبارات نظامی پاکستان حالا ایده دیگری را جهت نابودی مراکز تعلیم و تربیه افغانستان بکار میبرند و آن عبارت از " نابودی مکاتب ، زیر نام نابودی مراکز تعلیم مسیحیت است "

آنها نیکه منطقیاً به این مسئله فکر میکنند ، میدانند که ترویج و تبلیغ دین مسیح در جامعه سخت اسلامی افغانستان نه تنها بینهایت مشکل است بلکه صددرصد غیرممکن هم است ؛ زیرا اگر ما در بین توده های مردم در قرا و دهات افغانستان

برونیم بعد به قدرت ، توانمندی و عظمت عقیده والای اسلامی مردم افغانستان پی خواهیم برد و خواهیم دانست که عقیده شکوهمند وبامنزلت اسلامی اکثریت نسبت به تمام مردم افغانستان درختی نیست که به این باد ها بلرزد . از طرف دیگر آنهاییکه مردم را به دین دیگری دعوت میکنند با بیان منطق و سخن به جلو میروند که این خاصه مبلغین تمام ادیان است ؛ نه مثل طالبان کرام که تفنگ را به کله گروگانان کوریایی گرفته بودند و میگفتندکه " بخوان کلمه " که گروگان کوریایی بعد از رهایی هرکدام میگفتندکه برای زنده ماندن بار ها به امر طالبان لبیک گفته بودند . در حالیکه همه میدانیم که ایمان آوردن ، اقرار به بزبان تصدیق به قلب است . حالا هیچ جای شک نیست ، که اگر کدام صلیبی در میان مردم ما کسی را دعوت به مسیحیت نمائید مسلماً که با منطق متقابل و جواب قوی چون ، ارجحیت دین مقدس اسلام بر همه ادیان مواجه خواهد شد .

و همچنان آنهاییکه موجودیت مستشاران غربی را در پروژه های خیریه بین المللی و مراجع دولتی افغانستان ، مبلغین دین مسیح میندازند ؛ باید بدانند که از این نوع مشاورین و کارگران فنی درکشورهای عربی بخصوص در عربستان سعودی به ده ها هزار نفر وجود دارد ، مگر ما شنیده ایم که کدام مسلمان تبعه عربستان سعودی مسیحی شده باشد . همچنان هم اکنون به تعداد هزاران متخصص چینیایی در پروژه های عمرانی پاکستان مصروف کار اند ، آیا نسبت به آنها از طرف ملامه صاحب های دیوبند کدام ادعا شده است که : مردم پاکستان را به کمونیزم دعوت میکنند . مزید بر آن در پاکستان به تعداد یک میلیون مسیحی وجود دارد ، که دولت پاکستان به خاطر گل روی آنها بدون در نظر داشت احساسات صدو پنجاه میلیون مسلمان پاکستانی ، روز رخصتی هفته را در آنکشور روز یکشنبه برگزار میکند ، آیا ماشنیده ایم که کدام مسلمان پاکستانی مسیحی شده باشد .

بناً اشاعه تبلیغ دین مسیحیت فقط همان افواهاات و پروپاگاندهای دستگاه استخبارات نظامی پاکستان جهت به آتش کشیدن مکاتب ما و عقب نگه داشتن مردم وکشور ما در نادانی فقر ، جهل و بیچاره گی میباشد .

این یک طرف ماجرا .

طرف دیگر ماجرا ، اینکه بعد از حضور نظامی کشورهای ثروتمند غربی درکشور ما ، دست اندرکاران کهنه کار سازمان استخبارات نظامی پاکستان و دست اندکاران ایرانی درزمینه اینرا درک نموده اند که با استقرار قوت های نظامی غرب در افغانستان ، بلا فاصله سرمایه داران بزرگ و کوچک کشورهای غربی در این کشور حضور خواهند یافت و با سرمایه گذاری فراگیر ، افغانستان با در نظر داشت منابع عظیم زیر زمینی که دارد ، بزودی به ابر قدرت اقتصادی منطقه و بالاخره هم به یکی از ابر قدرت های بزرگ اقتصادی دنیا مبدل خواهد شد . پاکستانی اینرا خوب میدانند که غول قدرت اقتصاد آلمان غرب در سال ۱۹۹۰ آلمان شرق را ، حتی بدون فیر یک مرمی و ادار به تسلیم کرد و از آن آلمان متحد ساخت . و آنها این آینه را در چهره خود خوب میبینند و میدانند که ابر قدرت اقتصادی افغانستان احتمالی چه بخواهی یا نخواهی طلسم معاهدات دیورند و گندمک را مثل دیوار برلین در هم خواهد شکست و تمام پشتون های ساکن در پاکستان کنونی داوطلبانه به افغانستان خواهند پیوست . و ایران هم اینرامیداند که با ظهور افغانستان قوی و با قدرت نه تنها بایست خواب خیال تصرف هرات را از کله اش بدرکنند بلکه در آنوقت حساب آب های راکه اکنون از دریا های هیرمند و هریرود مفت و مجانی بالا میکشد باید به افغانستان پردازد . از همین روست که دست اندر کار سازمان های جاسوسی این دو کشور قیل از آنکه دیر شود ، داخل اقدام شده و کارهای را در مسیر سبوتاژ حضور نظامی کشورهای غربی در افغانستان رویدست گرفتند . بنده وقتی در اواخر سال ۲۰۰۱ در یک سازمان خیریه ملل متحد که در شهر پشاور دفتر مرکزی و در تعدادی کثیری از کمپ های پناهنده گان افغان در نقاط مختلف پاکستان نمایندگی داشت ، کار میکردم و گاه گاهی جهت اکمالات به کمپ های مذکور میرفتم در دفتر یکی از کارکنان این کمپ ها واقع در خیبر ایجنسی به نشریه بزبان پشتو بر خوردم که حضور قوت های غربی در آن قویاً محکوم و مردم به جهاد دعوت شده بود . و حدود یکماه بعد وقتی به دفتر دیگری به کرم (کورم) ایجنسی رفتم به عین نشریه بر خوردم . این درحالی بود که در آنوقت رهبران و اعضای سازمان های القاعده و طالبان در حال جنگ و گریز با قوت های خارجی در افغانستان بودند و تازه به پاکستان پناه آورده بودند و هنوز توان وامکانات آنرا داشتند تا به نشر اخبار و نشرات مخفی ویا آشکار بزنند . اینکه نشریه مذکور از طرف کدام سازمان ویا مرجع بسرعته و تکثیر شده بود معلوم است . در همین هنگام جریده شهادت ، ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان که مدت مدیدی در شهر پشاور پاکستان نشرات داشت و بعد از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان به نسبت پالیسی نشرات آن علیه طالبان ، نشر آن از طرف مقامات پاکستانی ممنوع شده بود ؛ بلافاصله بعد از سقوط دولت طالبان نشرات اش را از سر گرفته و به اشاره آی . اس آی به سبوتاژ قوت های نظامی غرب در افغانستان آغاز کرد . از طرف دیگر در همین جمهوری به اصطلاح اسلامی پاکستان روز جمعه برخلاف اکثریت نسبت به تمام کشور های اسلامی تعطیل نیست و در پاکستان مثل کشورهای غربی روز

یکشنبه تعطیل است. ولی در همین روز جمعه بخصوص در تمام مساجد پاکستان هیچ ملاحه ای از دولت پاکستان نمی پرسد که چرا روز جمعه یعنی روز مقدس مسلمانان در پاکستان روز تعطیل نیست؛ بلکه بنده در جریان سال ۲۰۰۲ به چشم خود دیدم و به گوش شنیدم همین ملاحه ها بخصوص در مناطق پشتون نشین و کمپ های پناهنده گان افغان به دستور مقامات آی. اس آی مردم را دعوت به جهاد رفتن به افغانستان و جنگیدن در مقابل کفار مینمودند. این روی ماجرابود؛ فعالیت های پس پرده مقامات آی. اس آی هم بدون شک جنب و جوش خاصی داشته و دارد. چنانچه شهادت روحانیون و شخصیت های متنفذ که در راه تأمین صلح، امنیت و آشتی در فعالیت بودند از طرف طالبان، چون ملا نقیب الله در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار و ملا محمد اسمعیل خطیبی در ولسوالی شیندند ولایت فراه و همچنان به شهادت رسانیدن ملا عبدالصمد خاکسار رئیس امنیت و بعد وزیر داخله دولت طالبان و ملا محمد حسن والی ولایت بامیان در رژیم طالبان که هر دو به دولت پیوسته بودند و غیره، خودمیرساند دستگاه استخبارات نظامی پاکستان سخت مراقب اوضاع بود و با اجرات خشن و قاطع در این راستا به دیگران پیام میرساند که هر طالبی که بدولت بپیوندد و یا هر ملاحه ای که در راه استقرار صلح و امنیت در مساجد تبلیغ کند سر نوشت اش چه خواهد بود. و در مجموع هدف پاکستانی ها جلوگیری هرگونه فعالیت افغان ها در راستای بهتر شدن وضع اقتصاد این کشور و خاموش ساختن آن در نطفه میباشد. که قتل و کشتار کارگران سرک سازی در گوشه و کنار کشور و سوختاندن و نابودی هرگونه مایملک ملی و دولتی بشمول مکاتب و شفاخانه ها و ویرانی پل ها و حتی تاخت و تاز بالای کارگران شرکت های خصوصی مثل قتل کارگران یک شرکت خصوصی در ولسوالی شوراوک قندهار از این مثال ها میباشد.

همزمان با این در جریان سال ۲۰۰۲ با حضور تعداد کثیری از سربازان خارجی با جیب های پر از دالر در بازار های کشور ما و خریداری گسترده تولیدات صنایع دستی و همچنان حضور فراگیر توریست ها و سیاح های کشور های غربی، میرفت که صنعت آسان توریسم و گراوندی در کشور ما رونق گرفته و مردم ما در این مسیر صاحب نانی شوند، ولی با هدف قرار دادن سربازان خارجی ضمن عملیات انتحاری در بازارهای کشور از یکسو و از سوی دیگر کشتار تعداد زیادی از توریست ها در نقاط مختلف کشور و گروگانگیری سرمایه داران و افراد وابسته به آنها باعث گردید که نه سربازان خارجی به بازار های کشور مظاهر شوند و نه هم توریست ها سرمایه داران خارجی از کشور ما دیدن نمایند. و- الی اگر سالانه حد اقل به تعداد یکصد هزار توریست از کشور ما دیدن کند و هر توریست حد اقل مبلغ یک هزار دالر در داخل کشور ما مصرف نماید، عاید سالانه آن به کجا میرسد. و این پولی است که دولت آنرا نه میگیرد، بلکه ملت آنرا صاحب میشود زیرا هر توریست مجبور است که در رستورانهای نان بخورد، در هوتلی بخوابد و از تاکسی استفاده نماید. بر علاوه آنکه به خزانه دولت هم از این رهگذر پول های بیشماری ریخته خواهد شد. در خاتمه به همه هموطنان گوشزد مینمایم که باوجود اینکه در موجودیت قوای خارجی، و در سایه و پناه آن تعدادی از تفنگداران مجاهد نما چون مارشال ماشینی، قسیم فهیم دست به غارت جایداد های ملی و مردم در گوشه و کنار کشور بخصوص در شهر کابل زده اند؛ وعده دیگری هم به همکاری دولت بیکفایت کزری در پست های مهم دولتی چسبیده و رشوت خوری و بی قانونی را به اوج رسانیده اند و مردم بی پناه ما از این درک سخت در رنج و شاکه اند؛ و باز هم با وجود آنکه تعدادی زیادی از کشور های غربی در جستجوی پای گنجشک و بینی خمیری اند تا قوای شان را از افغانستان خارج نمایند؛ ولی بیرون رفتن قوای یاری صلح ملل متحد از افغانستان فاجعه خواهد آفرید و آنگاه پشیمانی سودی نخواهد داشت. پایان